

## داستان زیبای مرد فانوس به دست

۱۸ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۰:۱۷

ترسیدم اگر بار دیگر به زمین بخوری خداوند به خاطر تو از سرتقصیرات تمام مردم زمین بگذرد بنابراین چاره را در آن دیدم که شما را به سلامت به مقصد رسانم.

در خبرها آورده اند که مردی صبح گاهان برای ادای نماز صبح روانه مسجد شد در راه پایش سر خورد و در گودالی اب فرود آمد به منزل برگشت و پس از تعویض لباس دوباره روانه مسجد شد .

دوباره همانجا سر خورد و به گودال افتاد. مرد به سوی خانه برگشت برای بار سوم لباس پوشید و روانه خانه خدا گردید.

وقتی به گودال آب رسید دید مردی فانوس به دست منتظر او ایستاده ...

مرد فانوس به دست گفت من منتظر تو هستم تا تو را به سلامت به مسجد رسانم

عابد قصه ما از او تشکر کرد و با هم روانه مسجد شدند

وقتی به مقصد رسیدند مرد عابد قصه ما از مرد فانوس به دست پرسید

تو که هستی و برای چه به من کمک کردی .. مرد فانوس به دست جواب داد ....

من شیطانم .. بار اول که به زمین خوردی دوست میداشتم که از برگشتن منصرف شوی

ولی تو با برگشت خود موجب شدی خداوند تمام گناهان خویشاوندانت را عفو نمایدو در مرتبه دوم که به زمین خوردی لباس پوشیدی و برگشتی.

خداوند گناهان تمام مردم دهکده ات را بخشید.

ترسیدم اگر بار دیگر به زمین بخوری خداوند به خاطر تو از سرتقصیرات تمام مردم زمین بگذرد بنابراین چاره را در آن دیدم که شما را به سلامت به مقصد رسانم.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۲۲۷۱/دست-فانوس-مرد-زیبا-داستان/>